



سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۸ شوال ۱۴۴۳ - ۱۰ می ۲۰۲۲ - سال ییست ویکم - شماره ۵۷۰۸ - ۱۲ صفحه - ۷۰۰۰ تومان

سخنگوی وزارت امور خارجه تشریح کرد

تبادل پیام تهران و واشنگتن از طریق اتحادیه اروپا

صفحه ۳



«مردم‌سالاری» ماجرای احیای کالابرگ توسط دولتمردان را بررسی کرد

عقب‌گرد ۴۰ ساله با احیای کوپن در کشور

صفحه ۵

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از کارگران:

واردات کالای دارای تولید داخل و با کیفیت
خنجری بر قلب تولید کشور است

✓وضع خودروسازهای داخلی تعریفی ندارد

صفحه ۲



معاون اول رئیس جمهور

در نشست تشریح ابعاد مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها:

دولت قصد دارد یارانه تک‌تک افراد جامعه را به خودشان پرداخت کند

صفحه ۲

دستور محسنی اژه‌ای درباره کارگران و معلمانی که پرونده‌دار شدند

رئیس قوه قضائیه از مسئولان ذریبط قضایی خواست چنانچه طی ماه‌ها و هفته‌های اخیر برای افرادی از دو قشر زحمتکش معلمان و کارگران در اثر «ففلت» آن‌ها، پرونده قضایی تشکیل شده، نهایت مساعدت را به عمل آورند و در مقابل، چنانچه «عنصری وابسته به بیگانه» در صفوف معلمان و کارگران رخنه کرده‌اند و برای ضربه زدن و ایجاد آشوب و اخلال در نظم و امنیت مردم برنامه دارند...

صفحه ۲

رژه روز پیروزی همزمان با ادامه جنگ اوکراین برگزار شد

تاکید پوتین بر دفاع از سرزمین مادری در میدان سرخ

گروه بین‌الملل – هدیه گل‌محمدی: همزمان با ادامه عملیات نظامی در اوکراین، مراسم هفتاد و هفتمین سالگرد «روز پیروزی» در جنگ جهانی دوم با انجام رژه‌های بزرگ در ۲۸ شهر از جمله در میدان سرخ مسکو برگزار شد. این جشن نظامی بزرگ که طی دو سال گذشته به دلیل شیوع ویروس کرونا انجام نشده بود...

صفحه ۱۱

رویترز از کاهش صادرات نفت ایران خبر داد

نفت روسیه رقیب ایران در چین شد

صفحه ۱۰

سر مقاله



محمد جواد پهلوان

این روزها یک سوال مدام در ذهنم می‌چرخد و مثل خوره به جانم افتاده است. پرسشی که دغدغهام شده این است: نتیجه آن جلسات مشورتی رئیس جمهور و نزدیکانش با برخی چهره‌های مطرح خارج از قدرت و دولت چه بود؟ اری؟ اگر خاطر شریف مخاطبان باشد در آن روزها یکی از اقدامات نیک و روشن دولت سیزدهم آن بود که با چهره‌های مذکور تماس گرفته و از آنان برای تشکیل دولت و برنامه‌های آن مشورت می‌خواست. اگر آن ارتباط‌گیری‌ها نمایشی و تصنعی و یا به قولی برای جلد رسانه‌ها بوده که هیچ، لیکن اگر چنین نبوده و توشه و آورده‌ای داشته کسی توضیح دهد آن چه بوده است؟ برای

قبیله‌گرایی یا جوانگرایی؟

مثال بنده به یاد دارم یکی از مسائلی که آن زمان در میان مشورت‌ها مطرح می‌شد بحث پوست اندازی و جوانگرایی و لزوم اعمال آن در دولت نوا بود. اکنون باید بررسی شود اولا چقدر آن مشورت‌ها در این زمینه اجرائی شده و ثانیا که مهم‌تر است، چقدر این نکته به درستی اجرائی شده است. به عبارت دیگر، اگر دولت سیزدهم به واقع دست به جوانگرایی زده و گام دوم مسورد تاکید رهبر معظم انقلاب را در این زمینه اجرائی کرده تا چه میزان این‌ موضوع به خروجی دولت کمک کرده است. به هر حال تفاوت جدی وجود دارد میان جوانگرایی و قبیله‌گرایی. جوانگرایی یعنی وزیر دست به یک خانه تکنلی منطقی زده و مدیران فرسوده و درگیر کلیشه را کنار گذاشته و جوانان با انگیزه، فعال و خوش فکر را صرف نظر از بازی‌های سیاسی و جناحی به کار گمارد. و قبیله‌گرایی آن است که وزیری اتفاقا با تکیه بر رفیق بازی و سیاسی

یادداشت



فردین علیخواه

بگذارید این نوشته را با چند مثال آغاز کنم. یکی از دوستان‌مان در واتس‌آپ کلیبی خنده‌دار می‌فرستند. آن را می‌بینیم و قافاهه می‌خندیم ولی برایش بیپای نمی‌فرستیم. او چند روز بعد ما را می‌بیند و گلایه می‌کند که چرا واکنشی نشان نداده‌ایم/ در یک گروه واتس‌آپی، در ماه رمضان، فردی هر روز صبح آیهای از قرآن منتشر می‌کند. یکی از اعضا به او تذکر می‌دهد که یکبار فرستادید. پست شما لینک هم دارد.

اگر کسی دلش خواست می‌رود و خودش می‌خواند و دیگری لزومی به انجام هر روزه این کار نیست/ فردی که معلم کلاس کنکور است پس از راهنمایی یک دانش‌آموز دختر، نشانه تشکر، گل و قلب دریافت می‌کند. این نشانه‌ها، به ویژه قلب، باعث تنش چند روزه بین او و همسرش می‌شود/ دانشجویی در روز تعطیل از طریق واتس‌آپ درباره درس به استادش پیام می‌دهد. استاد با ارسال استیکر چهرهٔ خشمگین به او یادآوری می‌کند که امروز تعطیل است/ فردی به اشتباه عکس یک میوه را به گروه کاری شرکت ارسال می‌کند. میوه شکل آلت تناسلی انسان را دارد. او پس از این کار تا مرز سکنه پیش می‌رود.

به مثال‌های بالا صدها مثال دیگر را نیز می‌توان اضافه کرد. آیا ما درباره امور کاری حتما باید در ساعات کاری پیام بدهیم؟ آیا این استدلال درست است که اگر کسی نخواست پیام ما را با نام نمی‌کند؟ آیا ارسال استیکر قلب از طرف یک دانش‌آموز یا دانش‌جو به معلم درست نیست؟ آیا کسی که از اعضای یک گروه شناختی ندارد نباید هر روز یک ایمه قرآن در آن گروه پست کند؟ اساسا آیا باید پست کند؟ ما این روزها برای بسیاری از امور زندگی‌مان از ارتباطات اینترنتی استفاده می‌کنیم

یادداشت

این همه خشونت در متن جامعه و مدارس حاصل چیست؟

روز با خود عهد کردم تا به مدیر و همکارانم ثابت کنم، زبان آدمیزاد فلک و کتک نیست و شد آنچه باید.

همان دانش آموزانی که بنا به قول مدیر، زبان آدمیزاد نمی‌دانستند، با شنیدن زبان آدمیزاد، شدند بهترین دانش‌آموزان مدرسه، دیری نپایید که شدند بهترین دانش آموزان منطقه، بچه‌هایم روی سکوی قهرمانی مسابقات ورزشی منطقه بودند و حائز رتبه‌های برتر مسابقات علمی اما آقای مدیر هنوز هم باور نمی‌داشت که این هنوز هم شیلنگ آقای ناظم در کف دست معلم نه با فلک و کتک... اما امروز تصاویری می‌بینیم که گویی خشونت همزاد این جامعه است و قصد خروج ندارد از این سرزمین.

روزی نماینده مجلس با سبیلی صورت جوان مملکت را نوازش می‌کند، پلیس که وظیفه‌اش حفظ و مدافع ناموس ملت تعریف شده، به زور بانویی را روی زمین می‌کشانند و هیچ ابایی هم ندارد که تن و بدن ناموس مردم دیده می‌شود، هنوز هم شیلنگ آقای ناظم در کف دست معلم است و تن رنجور دانش‌آموز را نوازش می‌کند... این حجم از تعارض و تفاوت در رفتارها حاصل شیوه و نحوه گرینشی است که سال‌هاست بر اشتباه بودن آن اصرار شده است اما کو گوش شنوا لذا باید تاکید مکرر کرد که معلم واقعی معلمی است که:

خودش را به آب و آتش می‌زند برای نجات دانش آموزش، معلمی که از وقت استراحت و خانواده‌اش می‌گذرد تا ساعتی بیشتر با دانش آموزانش کار کند، معلمی که برای همدردی با دانش آموز سرطانی‌اش هرکاری که از دستش برآمده کرده است... همان معلمی که ماه‌هاست در کف جامعه حقوق از دست رفته‌اش را مطالبه می‌کند و... پلیس واقعی همان ماموری است که: برای دفعاع از امنیت ناموس مهن با سپینه ستبر جلوی گلوله جاهازن و اشرار ایستاده، همان ماموری که شیلنگ کتک‌ور است پس از نمی‌کند... همان ماموری که شب تا صبح، در گرما و سرما مامور برقراری نظم این جامعه است، همان ماموری که با کبودک کار همراه وهم یا می‌شود تا لبخندی به لب وی نباشند... و صدها صدق دیگر از مرام و معرفت آنان که به معنای واقعی کلمه خدمتگذار جامعه و هموطنان هستند.

دستان پرتلاش چنین خادمانی را باید بوسید.
* **وکیل دادگستری**
منبع: خبرآنلاین



محمدهادی جعفرپور

لازم است مسئولین ذریبط در وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی، تعارض و تفاوت فاحش در رفتار برخی از نیروهای ابواب جمعی‌شان را به غایت آسیب‌شناسی کنند تا زحمت خالصانه نیروهای خدوم این دو ارگان که بیشترین توجه و بازخورد اجتماعی را دارند با برخی ندانم‌کاری‌ها به هدر نرود.

از جلو نظام... خبردار... حالا نوبت قرائت قرآن و دعا بود، برای دقایقی فضای مدرسه حالتی روحانی و آرامش بخش می‌گرفت اما همین که می‌خواستند ته دلمان به آرامش گره بخورد، این تحکم مدیر مدرسه که با فریادهای گوش خراش می‌گفت... آهای پدر... یا تو آلا... هستم استرس و دلشوره را بر روح و روان بچه‌ها آوار می‌کرد، درفشانی‌های مدیر که تمام میشد امر می‌کردند تا با نظم و ترتیبی که باب میل همایونی بود راهی کلاس شویم، یقینا در چنین فضایی صحبت کردن راجع به شرایط روحی و روانی دانش‌آموز ادعایی عبث و باطل است وحتما صلاح بر این بوده که مثل حیوا... شلاق بخوریم... این حکایت هر روز مدرسه بود، اما شنیده رونمایی از شیلنگ آقای ناظم حکایت‌ها داشت.

اول هر هفته برخی از دانش آموزان از خود راضی و نئور مثل همین آدم‌های بادمجان دورقاب چین این روزها برای آقای ناظم هدیه می‌آوردند؛ شیلنگ‌هایی با رنگ و اندازه‌های مختلف که از کیفشان بیرون می‌آوردند و هدیه می‌دادند به آقای ناظم تا در طول هفته آقای ناظم تن و بدن رنجور ما کودکان ۸-۹ ساله را نوازش کند...

یادم هست اگر از بین غشروف‌های انگشت‌های دستان خون پشتمه نمی‌زد، امر می‌کردند تا کاپشن از تن به در کنیم تا جای ضربات شیلنگ به غایت و زیبا روی بدنمان نقش ببندد تا با بدندش قدر زحمات کادر مدرسه را بهتر بدانیم ویادمان باشد که اولیاء مدرسه چقدر دلسوز ما هستند!!!

ترس و دلشوره‌ها تمامی نداشت حالا نوبت آژیر قرمز بود، گرچه معنا و مفهوم آن احتمال حمله هوایی می‌داد اما نفیر میگ‌های صدام برای ما به قطع و یقین معنایش خالی شدن ضربات شیلنگ و توبسری بود چرا؟ چون می‌بایست با نظم و ترتیب به پناهگاه برویم... درس و مدرسه

مجموعه رسانه‌ای مردم سالاری را در فضای مجازی دنبال کنید

تازه ترین و موثّق‌ترین خبرها و تحلیل‌ها و گزارشها

پایگاه خبری مردم‌سالاری آنلاین
www.mardomsalari.ir
روزنامه مردم سالاری
www.mardomsalari.ir/newspaper

افتالله و انا الیه راجعون

برادر عزیزم **جناب آقای مهندس حاتم‌ی‌زاده** با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوندمنان برای آن عزیز از دست رفته علو درجات و برای سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت دارم.

روحش شاد
سیدمجید حسینی